

سازوکارهای آموزش مردم و مدیران در ارتقای تعامل مردم - حکومت: دلالت‌هایی برآمده از تفسیر شریف المیزان

حسن دانایی‌فرد**

میثم لطیفی*

فاطمه رحمانی***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۴

چکیده

تعامل مردم - حکومت مرکز ثقل حکومت‌ها بوده و کارگزاران حکومتی همواره در پی کشف سازوکارهایی برای افزایش کمیت و کیفیت تعاملات مردم با حکومت هستند. در این مقاله با رویکرد کیفی و براساس روش دلالت‌پژوهی در تفسیر شریف المیزان و تدبیر مسئله‌محور در آیات قرآن کریم، از دل ۱۹۲۱ آیه و ۴۹۶ مضمون برآمده از آنها، سازوکارهای آموزشی تعامل مردم و حکومت، مفهوم‌پردازی شد. قرآن کریم برای بهبود مشارکت عمومی در جامعه به آموزش توأمان مدیران و مردم پرداخته و برای آن سازوکارهای گوناگونی را در نظر گرفته است. در حوزه آموزش مردم، هیچ‌کدام از سازوکارها مانند: آموزش نحوه تعامل با یکدیگر، آموزش نحوه مشارکت عمومی (جهاد، زکات، انفاق)، آموزش مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری، آموزش تلازم ایمان و عمل صالح، آموزش امر به معروف و نهی از منکر و... ارائه شده است. در حوزه آموزش مدیران نیز هفت سازوکار کشف شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: آموزش تقویت رابطه رهبر و مردم مبتنی بر انس و الفت، آموزش سعه‌صدر و مشورت‌پذیری مدیر و رهبر، آموزش ساده‌گویی و بیان روان مدیر و رهبر، آموزش زهد و اعراض از مادیات مدیر و رهبر. بدین ترتیب براساس آموزه‌های قرآنی می‌توان گفت که اولاً آموزش و یادگیری، رکن مهمی در ساخت و بهبود تعامل مردم و حکومت است و ثانیاً این آموزش برای مردم و مدیران در عرصه‌های متنوع، به‌صورت توأمان لازم و ضروری است.

کلیدواژه‌ها: سازوکارهای تعامل مردم - حکومت؛ آموزش مردم؛ آموزش مدیران؛ مدیریت اسلامی

meisamlatifi@gmail.com

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)

hdanaee@modares.ac.ir

** استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

fatemeh.rahmani213@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تربیت

مقدمه

مشارکت عمومی مرکز ثقل حکومت‌هاست (سریگتون^۱، ۲۰۰۵: ۳۴؛ بوسون و همکاران^۲، ۲۰۱۵: ۴۶؛ هورزبول و همکاران^۳، ۲۰۱۲: ۶۷)؛ چراکه سبب ایجاد رابطه عمیق و اصیل بین مردم و حکومت شده، حکومت را از خواسته‌ها و نیازهای مردم مطلع کرده، مشروعیت آن را افزایش داده و سبب انسجام اجتماعی بیشتر می‌شود (اندرسون^۴، ۲۰۱۱: ۳۴۰؛ کوستاکوپولو^۵، ۲۰۰۸: ۵۶). به عبارت دیگر، مشارکت عمومی سبب استفاده از خرد جمعی^۶ برای حل مشکلات شده و فرایند حل مسئله^۷ را بهبود می‌بخشد (جپسن و لاهجانی^۸، ۲۰۱۰: ۱۰۲۱). از طرفی، نزدیکی افراد به مسئله و مشکل، سبب ادراک بهتر مسئله و مشکل شده و احتمال حل اثربخش مسئله را افزایش می‌دهد. در حوزه حکومت و مدیریت امور عمومی، عموم مردم به سبب نزدیکی با مشکل، ادراک بهتری از آن داشته و می‌توانند با همکاری مدیران بخش عمومی، راه‌حل‌های بهتری را برای حل مشکل کشف کنند (ویلاروول و ریز^۹، ۲۰۱۰: ۲). براساس رویکرد تفسیری، افراد، از پدیده‌ها ادراک و تعریف متفاوتی دارند و وجود و ماهیت پدیده‌ها به ادراک افراد وابسته است. همان‌طور که می‌دانیم اولین و مهم‌ترین گام در فرایند سیاست‌گذاری، شناخت و تعریف مشکل است. از طرفی باید در نظر داشت که در شناخت مشکل نیز ادراکات، نقش مهمی را ایفا می‌کند (روچفورت و کوب^{۱۰}، ۱۹۹۴: ۴۵؛ هوپ^{۱۱}، ۲۰۱۱: ۴). دنهارت نیز بر نقش ادراکات مشترک در ایجاد گفتمان عمومی بر خط‌مشی‌گذاری تأکید کرده و عنوان می‌کند که براساس پارادایم تفسیری و پست‌مدرن، ادراک مردم به مسائل، عینیت و ماهیت می‌دهد و مسائل و مشکلات به تنهایی وجود عینی ندارند. از نظر وی در حل مسائل عمومی نیز باید به ادراک مردم از مسائل توجه شود و به گفتمان غالب بین مردم پاسخ داده شود. در واقع، این گفتمان بین مردم است که به مسائل مورد توجه دولت‌ها جهت می‌دهد

- 1 - Creighton
- 2 - Bonsón et al
- 3 - Horsbol et al
- 4 - Anderson
- 5 - Kostakppoulou
- 6 - Collectively intelligent
- 7 - Problem-solving process
- 8 - Jeppesen & Lahjani
- 9 - villarroel & Reis
- 10 - Rochefort & Cobb
- 11 - Hoppe

(دنهارت و دنهارت^۱، ۲۰۰۰: ۷۸). به عبارت بهتر، باید گفت که مشکلات عمومی حاصل گفتمان عمومی برخاسته از مردم است. فیشر و گاتویز^۲ (۲۰۱۲) مبنای شکل‌گیری مشکلات عمومی را واقعیت جدلی^۳ می‌دانند. طبق این اصطلاح، مشکلات عمومی زمانی عینیت و واقعیت دارند که به صورت مشترک تعریف و استدلال شوند. واقعیت استدلالی بر این مطلب تأکید دارد که استدلال و اقناع مردم به صورت مشترک در نهادهای مردمی، مبنای عینیت‌دادن به مشکلات عمومی است. با وجود اهمیت تعامل مردم - حکومت برای ایجاد حکومتی بهتر، ایجاد مشارکت عمومی اثربخش در جوامع مدرن با مشکل مواجه شده است؛ به گونه‌ای که دانشمندان تأکید می‌کنند که مهم‌ترین مانع برای ایجاد ارتباطات بین شهروندان، ماهیت زندگی مدرن است؛ چراکه در این جوامع مردم کم‌تر یکدیگر را می‌بینند و کم‌تر نسبت به مشکلات یکدیگر واکنش نشان می‌دهند (کینگ و همکاران^۴، ۱۹۹۸: ۹۸؛ سالمین^۵، ۲۰۱۰: ۲۶). بنابراین، می‌توان چنین برداشت کرد که هسته مرکزی کلیه سازوکارهای مشارکت، ایجاد نگاه و دغدغه مشترک بین مردم است، زیرا ایجاد فضایی برای مشارکت بهتر و عمیق‌تر مردم، سبب ایجاد همدلی بین آنها شده و همین امر، ادراک مشترک بین آنها را تقویت می‌کند. در واقع، مردمی که از طریق مشارکت اثربخش با یکدیگر، به درک درستی از مسئله عمومی برسند، مسئله واحدی را نیز از حکومت مطالبه خواهند کرد، حکومت نیز چون با یک مطالبه واحد مواجه می‌شود، مسلماً عملکرد بهتری خواهد داشت. با این توصیف، می‌توان همراه کردن مردم با حکومت را مهم‌ترین پیامد مشارکت عمومی دانست؛ چراکه همراه شدن مردم با یکدیگر در درجه اول و با حکومت در درجه دوم، موجب افزایش کیفیت عملکرد حکومت‌ها می‌شود. اندیشمندان، سازوکارهای مختلفی را برای تقویت مشارکت عمومی در جامعه طراحی کرده‌اند؛ سازوکارهایی مانند ملاقات عمومی^۶، جلسه سالن شهر^۷، نظرسنجی شهروندان^۸، کمیته‌های مشورتی^۹ (پنل شهروندی^{۱۰})، که هر یک از این سازوکارها چالش‌هایی داشته و در عمل

- 1 - Denhardt and Denhardt
- 2 - Fischer & Gottweis
- 3 - Argumentative turn
- 4 - King et al
- 5 - Salminen
- 6 - Public meeting
- 7 - Town hall meeting
- 8 - Citizen survey
- 9 - Citizen advisory committees
- 10 - Panels

نتوانسته‌اند سبب تقویت مشارکت عمومی شوند (شیدی^۱، ۲۰۰۸: ۷۹).

برخی دیگر از اندیشمندان نیز آموزش شهروندی را سبب افزایش بلوغ شهروندان و تقویت مشارکت عمومی در جامعه دانسته و سعی داشتند با آموزش اموری مانند: آموزش شنیدن درست، آموزش تعامل برقرار کردن اصولی، آموزش تحمل آراء و نظرات مخالف، آموزش حقوق شهروندی، آموزش تعهد و مسئولیت‌پذیری و.. مشارکت عمومی را در جامعه تقویت کنند (پیروخنکو^۲، ۲۰۱۲: ۸۴؛ ناول و همکاران^۳، ۲۰۰۲: ۹). باید عنوان کرد که این سازوکارهای آموزشی نیز اثربخشی لازم برای ایجاد بلوغ لازم در شهروندان را نداشته و مشارکت عمومی را تقویت نکرده است. گذشت زمان نشان داد که هیچ‌یک از سازوکارهای مشارکت عمومی نتوانسته است سبب تقویت مشارکت عمومی در جامعه شده و فقدان مشارکت عمیق و مؤثر در امور عمومی هنوز احساس می‌شود (کینگ و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۰۳). شاید بتوان گفت، نبود سازوکارهای صحیح و اثربخش، مهم‌ترین مانع در ایجاد رابطه مؤثر و عمیق بین مردم و حکومت است، در واقع، مشارکت مردم در امور عمومی نیازمند سازوکارهای دقیقی است که نه تنها مردم را به مشارکت ترغیب کند، بلکه مشارکت را به وظیفه‌ای خطیر برای آنان مبدل سازد، به طوری که هم مردم تلاش برای بهبود امور عمومی را وظیفه خود بدانند و هم مسئولین مطلع کردن مردم و درگیر ساختن آنان در امور عمومی را رکن اصلی برنامه‌های خود تلقی کنند. ایجاد چنین باوری بین مردم و مسئولین، مسلماً سازوکارهای تربیتی و آموزشی عمیقی را طلب می‌کند، تا هم مردم و هم مدیران را برای رسیدن به این باور تربیت کند.

دین اسلام به‌عنوان خاتم ادیان الهی، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین و قرآن نیز کتابی بی‌نظیر است. "و ما این کتاب (قرآن) را به‌درستی به‌سوی تو نازل کردیم، درحالی‌که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود و گواه صادق بر (حقانیت همه) آنان است" (مائده/ ۴۸)^(۱). درمورد برتری و جامعیت قرآن؛ امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند: "خداوند، بیان هر چیزی را در قرآن نازل کرده است، به‌گونه‌ای که به خدا قسم هیچ‌یک از نیازمندی‌های بشر را فروگذار نکرده است". لذا در این مقاله تلاش داریم به واکاوی سازوکارهای آموزش مردم و مدیران به‌منظور ارتقا و بهبود تعامل مردم - حکومت از منظر قرآن و براساس تفسیر شریف المیزان پردازیم.

1 - Sheedy
2 - Pyrozhenko
3 - Naval et al

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

واژه مشارکت کلمه عربی و از باب مفاعله است و معادل فارسی آن همیاری و همراهی، شرکت و انبازی است (معین، ۱۳۷۷ و دهخدا، ۱۳۷۷). در لغتنامه المنجد نیز مشارکت به معنای شراکت و انبازی معنی شده است (معلوف، ۱۹۴۶). در گذشته، مردم - برای مثال در یونان باستان - برای تصمیم‌گیری‌های عمومی در یک مکان جمع می‌شدند و درمورد یک مسئله به مشارکت و تصمیم‌گیری می‌پرداختند. با گذشت زمان و افزایش جمعیت، دیگر مدل دموکراسی مستقیم^۱ کارآمد نبود. از این رو، مدل دموکراسی نماینده^۲ - مانند دارالندوه که با حضور سران قبایل عرب در مکه زمان جاهلیت برگزار می‌شد - ایجاد شد. دموکراسی نماینده نیز مشکلاتی مانند کمبود شفافیت و پاسخگویی، تضاد منافع و... دارد. در عین حال، در عصر حاضر انتظارات مردم برای مشارکت در حکومت، افزایش یافته است (چانگک^۳، ۲۰۱۱، ۶۷؛ پاری و همکاران^۴، ۱۹۹۲: ۹).

اندیشمندان بسیاری به تعریف واژه مشارکت پرداخته‌اند، شفریتز^۵ (۲۰۰۴) مشارکت را فراگرد توانمندسازی افراد و گروه‌ها برای رسیدن به بلوغ کافی می‌داند، در واقع، از نظر شفریتز فرایند مشارکت شهروندی زمانی محقق می‌شود که نظام حکومتی با آموزش شهروندان به آنها قدرت مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای تصمیمات را بدهد (لئو^۶، ۲۰۱۱: ۱۴۳). از نظر برخی دیگر از دانشمندان، مشارکت عمومی فرایندی است که در آن به نیازها و ارزش‌های عموم مردم توجه شده و مردم در تصمیم‌گیری‌ها دخیل می‌شوند (سریگتون، ۲۰۰۵: ۴۰؛ فیشر^۷، ۲۰۱۲: ۵).

در واقع، باید گفت که امروزه تقاضای شهروندان برای مشارکت در امور عمومی افزایش یافته است و سیاست‌مداران در جستجوی این مسئله هستند که چطور باید براساس شرایط جدید، سازوکارهای جدید مشارکت طراحی کنند. به عبارت بهتر، در عصر جدید دیگر رویه‌های رسمی مشارکت مردم را راضی نمی‌کند و آنها در جستجوی این هستند که به صورت غیررسمی و بیشتر در امور مشارکت کنند. تحولات اجتماعی و تغییر ساختار اجتماعی سبب شده است که مردم بر

-
- 1 - Direct democracy
 - 2 - Representative democracy
 - 3 - Chung
 - 4 - Parry et al
 - 5 - Shafritz
 - 6 - Liu
 - 7 - Fischer

سبک‌های جدید مشارکت، تمرکز داشته باشند (رو و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۷۳)

در سبک جدید مشارکت باید:

- فرایندهای تصمیم‌گیری و شکل‌گیری اراده سیاسی برای شهروندان واضح و مشخص باشد

(واگنر و همکاران^۲، ۲۰۱۰: ۷۷).

- شهروندان به واسطه فرهنگ مشارکتی^۳ که در جامعه ایجاد شده است، به مشارکت بپردازند

(واگنر و همکاران^۴، ۲۰۱۰: ۷۸).

- به محض اینکه مشکل عمومی مشخص شد شهروندان برای حل آن مشارکت کنند (یانگ^۵،

۲۰۱۲: ۲۳۴).

سازوکارهای زیادی برای مشارکت عمومی طراحی شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- بروکراسی نماینده - رأی‌دادن^۶

رأی‌دادن، شناخته‌شده‌ترین سازوکاری است که از طریق آن شهروندان به مشارکت پرداخته و

ترجیحات خود را بیان می‌کنند. در این سازوکار شهروندان نماینده موردنظر خود را انتخاب کرده

و نمایندگان نیز به دنبال منافع رأی‌دهندگان خود می‌روند، رأی‌دادن، سازوکاری است که در آن

عدالت رویه‌ای^۷ رعایت می‌شود؛ چراکه در آن، همه شهروندان به‌طور برابر حق مشارکت دارند،

باین‌وجود، گاه به دلیل فقر، سطح سواد، جنسیت و... ممکن است در این سطح عدالت، اختلال

وارد شود (شیدی، ۲۰۰۸: ۹۷).

- رفراندوم^۸ - پیشگامی^۹

در رفراندوم، شهروندان در اصول اساسی تر مانند تغییر قانون به مشارکت می‌پردازند، در این

سطح، میزان و کیفیت مشارکت شهروندان بیشتر است؛ چراکه شهروندان خود به‌طور مستقیم در

امور اساسی مشارکت می‌کنند. باین‌حال، رفراندوم نیز همیشه قابل اجرا نبوده و نمی‌تواند به‌عنوان

1 - Row et al

2 - Wagner et al

3 - Culture of participation

4 - Wagner et al

5 - Yang

6 - Voting

7 - Procedural fairness

8 - Referendum

9 - Initiative

یک سازوکار مشارکت شهروندی، همواره مورد استفاده قرار گیرد (شیدی، ۲۰۰۸: ۹۸).
ملاقات عمومی^۱ - شنیدن^۲

جلسات عمومی یکی از سازوکارهای فعال افراد در مشارکت است که از طریق آن شهروندان می‌توانند در روند تصمیم‌گیری عمومی دخیل شده و به مقامات دولتی مشاوره دهند. در جلسات عمومی، شهروندان و مقامات دولتی با هم به حل مسئله می‌پردازند و شهروندان ترجیحات خود را اعلام کرده و مسائل عمومی را مطرح می‌کنند. در این مدل هم شهروندان به صحبت‌های مسئولین گوش می‌دهند و هم مسئولین به صحبت‌های شهروندان توجه می‌کنند، مشکل این مدل این است که همه شهروندان نمی‌توانند در جلسات شرکت کنند؛ چراکه در این صورت جلسات بسیار شلوغ و غیرمؤثر می‌شود. نقطه قوت این مدل این است که در جلسات، شهروندان با دانش و دیدگاه‌های مختلف شرکت می‌کنند (شیدی، ۲۰۰۸: ۱۰۰).

- جلسه سالن شهر^۳

همه شهروندان می‌توانند در جلسات شهری شرکت کرده و صحبت کنند و صدای خود را به صورت مستقیم به گوش مسئولان برسانند (شیدی، ۲۰۰۸: ۱۰۲).

- نظرسنجی شهروندان^۴

نظرسنجی شهروندان به صورت غیرمستقیم انجام شده و مسئولان می‌توانند به صورت غیرمستقیم از نظرات شهروندان در هر حوزه مطلع شوند (شیدی، ۲۰۰۸: ۱۰۲).

- کمیته‌های مشورتی^۵ - پنل شهروندی^۶

در کمیته‌های مشورتی، شهروندان از میان افرادی انتخاب می‌شوند که در حوزه خاص، اطلاعات موردنظر را داشته باشند. افراد در این کمیته‌ها در مورد مسئله‌ای خاص به مسئولین مشاوره می‌دهند. این هیئت‌های مشاوره شهروندی^۷ حق تصمیم‌گیری ندارند، بلکه فقط در امور خاص مشاوره ارائه می‌دهند. نقش این کمیته‌ها تشویق همه مردم برای مشارکت در حل مسائل عمومی است (شیدی، ۲۰۰۸: ۱۰۳).

- 1 - Public meeting
- 2 - Hearing
- 3 - Town hall meeting
- 4 - Citizen survey
- 5 - Citizen advisory committees
- 6 - Panels
- 7 - Citizen advisory boards

- فعالیت^۱ - اعتراض^۲

فعال بودن یک شکل اعتراضی و افراطی از مشارکت است^۳ که در آن افراد به شکلی مانند اعتراض شدید، دست به مشارکت می‌زنند (شیدی، ۲۰۰۸: ۱۰۵).

یکی دیگر از سازوکارهایی که می‌تواند سبب افزایش بلوغ شهروندان و تقویت مشارکت عمومی شود، آموزش شهروندی است، در واقع، آموزش شهروندی فرایندی است که سبب تقویت مهارت‌های شهروندان شده و ظرفیت آنان را برای مشارکت عمومی افزایش می‌دهد. محققان، آموزش شهروندی را در امور زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

- آموزش شهروندی یعنی افزایش ظرفیت و مسئولیت‌پذیری افراد در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ناوال و همکاران،^۴ ۲۰۰۲: ۲۹).

- آموزش شهروندی یعنی افزایش دانش مردم در مورد حکومت، نهادهای دموکراتیک، سیستم قانونی و تاریخچه سیاسی کشور (ناوال و همکاران، ۲۰۰۲: ۳۱).

- آموزش شهروندی یعنی آموزش حقوق شهروندی و ارزش‌های دموکراتیک به افراد و توسعه مسئولیت‌پذیری آنان (ناوال و همکاران، ۲۰۰۲: ۳۲).

- آموزش شهروندی یعنی آموزش نحوه تعامل و مشارکت به مردم (ناوال و همکاران، ۲۰۰۲: ۳۳).

آموزش شهروندی را می‌توان به‌عنوان دانش، ابزار و فعالیت‌هایی در نظر گرفت که به‌منظور ترغیب افراد جامعه برای مشارکت فعالانه در زندگی دموکراتیک و پذیرش و اعمال حقوق و مسئولیت‌های خود، طراحی می‌شوند (کولادو و آتورا^۵، ۲۰۰۶: ۲۰۷). براساس پژوهش‌ها یکی از مهم‌ترین اصولی که در راستای مشارکت عمومی بهتر باید به شهروندان آموزش داده شود، آموزش نحوه صحیح گوش دادن است. در واقع، شهروندان از یک طرف این توانایی را ندارند که به مطالبات سایر شهروندان گوش داده و به یک مطالبه واحد برسند و از طرف دیگر، توانایی گوش دادن و فهم درست قوانین و دستورات عمومی نیز، بین آنان کم است. البته باید تأکید کرد که متصدیان امور عمومی نیز توانایی گوش دادن مؤثر به مطالبات مردم را ندارند.

1 - Activism

2 - Protest

3 - Activism is an extreme form of participation

4 - Naval et al

5 - Collado & lopez atxura

اهمیت آموزش شهروندی از این جهت است که در دنیای سیاست‌گذاری، افراد متخصص بهتر از افراد عامی تصمیم می‌گیرند، اما باید به نظرات افراد عامی نیز توجه شود، چراکه گاه سیاست‌گذاران به دلیل عدم فهم درست مسئله عمومی، ارزش‌زدگی و سیاست‌زدگی، تصمیمات درستی برای حل مسئله عمومی نمی‌گیرند. از این جهت مشارکت همه مردم در سیاست‌گذاری هم سبب فهم بهتر مسئله عمومی شده و هم تصمیمات را واقعی‌تر و عاری از نگاه سیاسی و ارزشی می‌کند که این امر خود سبب کیفیت تصمیم‌گیری‌ها می‌شود، لذا از طریق آموزش مناسب شهروندان، می‌توان آنان را برای دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و مشارکت عمومی آماده کرد. آموزش شهروندی گاه با دادن اطلاعات درست و به‌هنگام به شهروندان ایجاد می‌شود. در واقع، مشارکت شهروندی زمانی کیفیت می‌یابد که شهروندان به اطلاعات و حقایق کلیدی دسترسی داشته‌باشند؛ این اطلاعات باید در زمان مناسب در دسترس مردم باشد و به زبانی باشد که همه مردم بتوانند از آنها استفاده کنند (شیدی، ۲۰۰۸: ۱۳۵).

در مورد پیشینه پژوهش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کیتینگ و جانما^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "آموزش شهروندی از طریق مدرسه" بیان داشتند که آموزش شهروندی شامل فرصت‌های یادگیری رسمی و غیررسمی است که دانش‌آموزان را قادر به کسب مهارت‌های مدنی و دانش از طریق تجربه می‌نماید. همچنین دریافتند که فعالیت‌های مدرسه می‌تواند تأثیری پایدار و مستقل در تعامل سیاسی جوانان از طریق آموزش شهروندی داشته باشد.

- عبدی و شولتز^۲ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "تعامل اجتماعی و شهروندی در کانادا: چالش‌های آموزش شهروندی" به بررسی راه‌هایی پرداختند که جوانان را برای انجام نقش خود به عنوان شهروندان در طیف وسیعی از کشورها در دهه دوم قرن آماده می‌کند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن بود که در راستای آموزش‌های شهروندی، کارفرمایان به دنبال استخدام افرادی با دانش کافی در مورد تغییرات مهم در جامعه، سواد فرهنگی، قضاوت اخلاقی، ارزش‌های انسانی، مسئولیت اجتماعی و مشارکت مدنی می‌باشند.

- شیدی^۳ در کتاب خود تحت عنوان "اشتقاق شهروندی" بر این مهم تأکید دارد که آموزش

1 - Keating and Janmaat
2 - Abdi and Shultz
3 - Sheedy

شهروندی سبب افزایش اشتیاق شهروندی شده است. وی آموزش شهروندی را آموزش نحوه صحیح گوش دادن و رسیدن به یک مطالبه واحد دانسته و بیان می‌کند که با نحوه صحیح گوش دادن به مردم می‌توان آنها را در برقراری تعامل با یکدیگر یاری کرده و از این طریق می‌توان به بهبود دموکراسی‌ها کمک کرد (شیدی، ۲۰۰۸: ۱۳۷).

- ناول در مقاله خود تحت عنوان "آموزش برای شهروندی دموکراتیک در اروپای جدید" بیان می‌کند که آموزش شهروندی باید از ابتدا و در مدارس شروع شود. از نظر وی بهترین زمان برای شروع آموزش شهروندی دوران ابتدایی در مدرسه است (ناول و همکاران، ۲۰۰۲).

- تیمورنژاد و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان "عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی با تأکید بر توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری زنجان)"، آموزش رفتارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی و ملی، قانون‌پذیری و قانون‌گرایی، رفتارهای مبتنی بر کنش‌های اجتماعی/سیاسی و رفتارهای مبتنی بر حفظ محیط زیست و توسعه پایدار را به‌عنوان مهم‌ترین موارد آموزش شهروندی معرفی کردند.

- فیضی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تأثیر آموزش بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیم‌نگاهی به دیدگاه منابع اسلامی" به بررسی نقش دانشگاه و آموزش‌وپرورش در آموزش شهروندی پرداخته و تأکید کردند که مدارس با آموزش مناسب و کارآمد می‌توانند سبب افزایش دانش شهروندی شده و قانون‌پذیری، مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری را در جامعه افزایش دهند. آنها نشان دادند که با تقویت ایمان در جامعه، می‌توان زمینه لازم برای بهبود فرهنگ شهروندی را افزایش داد.

- پورزرندی و طباطبایی مزداآبادی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان "بانکداری اجتماعی با نگاهی بر اقتصاد شهری و آموزش سرمایه انسانی" به بررسی جایگاه آموزش در توسعه پایدار شهری پرداخته و بیان نمودند که صورت‌بندی مفهوم آموزش برای توسعه پایدار، توسط سازمان‌هایی مانند یونسکو، به نحو مطلوبی انجام شده است؛ اما درخصوص آموزش برای توسعه پایدار، کماکان معضلاتی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. بنابراین، تلاش‌های آتی بین‌المللی در این زمینه باید به سمت وسوی کشورها و شهرهای در حال توسعه، جهت دهد.

- گنجی و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر

آموزش‌های شهروندی" به بررسی تأثیر آموزش شهروندی بر بهبود فرهنگ شهروندی پرداخته و بیان کردند که بین آموزش شهروندی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی، رابطه مستقیمی وجود دارد و آموزش آموزه‌های شهروندی، نقش مؤثری در پایبندی مردم به فرهنگ شهروندی داشته است.

- خلیلی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی آموزش شهروندی در برنامه درسی آشکار نهاد آموزش رسمی ایران" به نقش مدرسه در آموزش شهروندی پرداخته و با بررسی ۱۳ کتاب درسی سال ۱۳۹۰ شامل تعلیمات اجتماعی، تعلیمات دینی و فارسی از دوره راهنمایی و دین و زندگی و دانش اجتماعی از دوره دبیرستان، نشان دادند که محتوای کتاب‌های درسی مصوب و مورد استفاده در مدارس می‌تواند بخشی از وضعیت آموزش شهروندی رسمی جوامع را نشان دهند.

- رحیمیان و شیرازی‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "آموزش شهروندی، واقعیتی در شهرسازی امروزی" به اهمیت آموزش شهروندی در عصر حاضر پرداخته و تأکید کردند با آموزش اصولی شهروندان می‌توان به کیفیت زندگی شهری، کیفیت محیط زیست شهری، کاهش آلودگی صوتی و بصری و... دست یافت.

- قربانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "آموزش شهروندی بر مبنای پادکست بلوتوثی" بیان کردند که استفاده از پادکست بلوتوث (استفاده از بلوتوث برای آموزش شهروندی) در اماکن اجتماعی می‌تواند اثر مثبت بر آموزش شهروندی داشته باشد.

- بیات و مقبل (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی نقش رسانه ملی در اثربخشی آموزش‌های شهروندی بر شهروندان (مطالعه موردی: آموزش تفکیک زباله از مبدأ)" نشان دادند که رسانه ملی می‌تواند نقش مؤثری در آموزش شهروندی به خصوص آموزش تفکیک زباله، داشته باشند.

باید توجه داشت که آموزش شهروندی در هر کشور متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که هر یک از آنها در شکل دادن آموزش‌های شهروندی، نقش حیاتی ایفا می‌کنند. نمی‌توان آموزش شهروندان یک جامعه را به‌طور انتزاعی و دور از حوزه فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفت (آقازاده، ۱۳۸۵: ۵۱).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود با وجود اهمیت آموزش شهروندان برای آماده‌سازی بهتر آنان در

مشارکت عمومی، تاکنون سازوکارهای آموزشی مناسبی در این زمینه تدوین نشده است و بیشتر مقالات تنها به اهمیت آموزش شهروندی، تعریف آموزش شهروندی و... پرداخته اند، لذا در ادامه به بررسی سازوکارهای آموزشی قرآن کریم در راستای آماده سازی مردم برای مشارکت عمومی می پردازیم.

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش، کیفی است که از دو راهبرد کیفی تدبیر مسئله محور و دلالت پژوهی به صورت ترتیبی بهره برده است. در این پژوهش مآخذ کشف اولیه دلالت ها، قرآن کریم در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، پژوهش با راهبرد تدبیر مسئله محور آغاز شده است که شامل مراحل زیر است:

۱. انتخاب موضوع پژوهش؛
۲. شناخت و تعریف دقیق مسئله (واسازی مسئله) با توجه به مسائل واقعی در محیط سازمانی و یا در ادبیات متعارف دانش مدیریت؛
۳. تدوین مسئله و یا مسائل؛
۴. عرضه مسئله به قرآن مبین با تأکید بر مرور کامل قرآن و تدبیر در تک تک آیات؛
۵. نگارش نکات تدبری هر آیه با ذکر آیه؛
۶. دسته بندی مفهومی نکات تدبری ذیل مقولات کلی؛
۷. ایجاد شبکه مفهومی از مقولات برای پاسخ به مسئله (لطیفی، ۱۳۹۰: ۳۵).

بنابراین، در این پژوهش در گام اول براساس روش تدبیر مسئله محور به محضر قرآن مشرف شده و آیات مرتبط با مسئله پژوهش را شناسایی کرده و براساس تفسیر المیزان به فهم و کدگذاری آیات پرداختیم (جدول شماره ۱).

در گام دوم براساس روش دلالت پژوهی (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۱۴) به کشف دلالت های مرتبط با مسئله پژوهش براساس یافته های گام اول پرداختیم (جدول شماره ۱). در این مرحله براساس نظر علامه طباطبایی به کدگذاری، مفهوم پردازی و مقوله بندی آیات پرداختیم و در مرحله چهارم به کشف دلالت ها در حوزه سازوکارهای بهبود تعامل مردم و حکومت پرداخته و در نهایت یافته های

سازوکارهای آموزش مردم و مدیران در ارتقای تعامل مردم - حکومت: دلالت‌هایی برآمده از تفسیر شریف المیزان / ۲۷

پژوهش را به تأیید خبرگان حوزه مدیریت دولتی و مدیریت اسلامی رساندیم.

جدول ۱. نمونه‌ای از آیات منتخب و دلالت‌های احصاشده براساس تفسیر المیزان

ردیف	کد	دلالت	نمونه‌ای از آیات	نمونه‌ای از تفسیر المیزان
۱	آموزش مدیر و رهبر به سعهدر و مشورت‌پذیری و ظرفیت‌سازی آنها برای این امر	هر چه سعهدر رهبر بیشتر باشد و در همه امور با مردم مشورت داشته باشد، مردم نیز با انگیزه بیشتری در امور عمومی مشارکت خواهند داشت	شوری ۳۸ طه ۲۵ توبه ۶۱	ج ۱۷ ص ۳۸۷
۲	آموزش و ظرفیت‌سازی برای مشارکت عمومی از طریق تبیین چیستی، چرایی و چگونگی جهاد به‌عنوان یکی از مصادیق مهم مشارکت عمومی می‌توان ظرفیت و زمینه لازم برای پذیرش این نوع مشارکت را در مردم ایجاد کرد.	با تبیین چیستی، چگونگی و چرایی جهاد به‌عنوان یکی از مصادیق مهم مشارکت عمومی می‌توان ظرفیت و زمینه لازم برای پذیرش این نوع مشارکت را در مردم ایجاد کرد.	محمد ۴ بقره ۱۹۰ - ۱۹۵ فتح ۱۷	ج ۱۸ ص ۳۴۰ ج ۱۸ ص ۳۴۱ - ج ۱۸ ص ۴۲۱
۳	آموزش فانی‌بودن دنیا و اینکه اموری دنیوی مانند (مال و فرزند و...) زودگذر هستند	تذکر به فانی‌بودن دنیا و اینکه امور دنیوی مانند (مال، فرزند و...) زودگذر هستند، سبب می‌شود که ریشه عدم مشارکت عمومی که همان علاقه به امور دنیوی است، از بین رفته و مردم با انگیزه بیشتری به مشارکت عمومی روی بیاورند.	منافقون ۱۱ تغابن ۱۶ توبه ۲۴ عنکبوت ۶۴	ج ۱۹ ص ۴۹۰ ج ۱۹ ص ۵۱۷ ج ۱۹ ص ۵۱۹ - ج ۹ ص ۲۷۵
۴	ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت عمومی از طریق بیان اهمیت نقش‌آفرینی جمعی	تبیین اهمیت نقش‌آفرینی جمعی و اینکه سعادت و شقاوت هر جامعه به دست افراد همان جامعه است، سبب ایجاد زمینه لازم برای مشارکت فعال و اثربخش در جامعه می‌شود.	رعد ۱۱	ج ۱۱ ص ۴۲۳
۵	ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت عمومی از طریق آموزش تقوا و محاسبه نفس به مردم	آموزش رعایت تقوا به مردم سبب افزایش رفتارهای منطقی و اثربخش آنان در جامعه شده و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد که این مهم سبب افزایش مشارکت عمومی در جامعه نیز می‌شود.	محمد ۱۷	ج ۱۹ ص ۳۷۷ ج ۱۹ ص ۳۷۶ -
۶	ترغیب و ظرفیت‌سازی برای مشارکت عمومی از طریق آموزش تلازم ایمان و عمل صالح	بیان اهمیت تلازم ایمان و عمل صالح و اینکه ایمان بدون عمل صالح اثربخش نیست، سبب افزایش مشارکت‌های اجتماعی به‌عنوان مصادیقی از عمل صالح در جامعه می‌شود.	کهف ۲	ج ۱۵ ص ۴

ادامه جدول ۱. نمونه‌ای از آیات منتخب و دلالت‌های احصاشده براساس تفسیر المیزان

ردیف	کد	دلالت	نمونه‌ای از آیات	نمونه‌ای از تفسیر المیزان
۷	آموزش تقدم رتبی پیوند قلوب بر اتحاد ظاهری	آموزش و تقویت تقدم پیوند قلوب بر اتحاد ظاهری به مردم سبب افزایش انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی در جامعه خواهد شد.	انفال ۹۶	ج ۱ ص ۶۲۱
۸	آموزش مدیر و رهبر به تقویت رابطه با خدا	هر چه مدیر و رهبر جامعه رابطه نزدیکتری با خدا داشته باشد و حکومت را از آن خدا و امانت الهی و عرصه خدمت به عباده (نه عرصه سود و منفعت شخصی) بداند، رابطه بهتری نیز با مردم خواهد داشت و مردم نیز با انگیزه بیشتری به تعامل به حکومت می‌پردازند.	بقره ۱۳۲ - ۱۳۱ اعراف ۱۸۸	ج ۱ ص ۴۱۱
۹	آموزش مشورت‌پذیری و ظرفیت‌سازی به مدیر و رهبر	هر چه سعه‌صدر رهبر بیشتر باشد و در همه امور با مردم مشورت داشته باشد، مردم نیز با انگیزه بیشتری در امور عمومی مشارکت خواهند داشت	شوری ۳۸ طه ۲۵ توبه ۶۱	ج ۱۷ ص ۳۷۸

یافته‌های پژوهش

قرآن کریم برای ترغیب مردم در امر مشارکت عمومی، بیشتر بر آموزش آنان تمرکز داشته و معتقد است با آموزش صحیح و اصولی مردم می‌توان آنان را برای مشارکت عمومی آماده کرد. از طرفی قرآن کریم آموزش را تنها محدود به مردم ندانسته و بر آموزش مدیران و مسئولان نیز تأکید دارد^(۲)، به عبارت بهتر راهبرد قرآن کریم برای بهبود مشارکت عمومی آموزش مردم و مدیران است و برای هر یک سازوکارهایی نیز در نظر دارد؛ این سازوکارها عبارتند از:

۱. سازوکارهای آموزشی مردم در راستای تقویت مشارکت عمومی

- آموزش از طریق معرفی اسوه؛
- آموزش برپایی نماز جماعت و جمعه به عنوان مبادی مشارکت عمومی؛
- آموزش نحوه جهاد به عنوان یکی از موارد مشارکت عمومی؛
- آموزش نحوه انفاق و زکات به عنوان یکی از موارد مشارکت عمومی؛
- آموزش نحوه شهادت‌دادن به عنوان یکی از موارد مشارکت عمومی؛

- آموزش فانی‌بودن دنیا و اینکه امور دنیوی مانند (مال و فرزند) زودگذر هستند؛ در راستای افزایش انگیزه برای مشارکت عمومی؛
 - آموزش نحوه تعامل با یکدیگر؛
 - آموزش نحوه برخورد با سخنان لغو و بیهوده؛
 - آموزش نحوه برخورد با مال یتیم؛
 - آموزش نقش آفرینی جمعی؛
 - آموزش مقدم‌بودن نظر ولی جامعه نسبت به نظر افراد؛
 - آموزش تقوا و محاسبه نفس به مردم؛
 - آموزش تلازم ایمان و عمل صالح؛
 - آموزش آراستگی ظاهری و درونی؛
 - آموزش مسئول‌بودن هر کس در برابر اعمال خود و جامعه؛
 - آموزش مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری؛
 - آموزش تقدم پیوند قلوب بر اتحاد ظاهری؛
 - آموزش امر به معروف و نهی از منکر.
۲. سازوکارهای آموزشی حاکم و رهبر جامعه در راستای تقویت مشارکت عمومی
- آموزش تقدم تزکیه بر تعلیم؛
 - آموزش نحوه تعامل با مردم (آموزش تقویت رابطه رهبر و افراد مبتنی بر انس و الفت)؛
 - آموزش سعه صدر و مشورت‌پذیری مدیر و رهبر؛
 - آموزش ساده‌گویی و بیان روان مدیر و رهبر؛
 - آموزش تقویت رابطه مدیر و رهبر با خدا؛
 - آموزش زهد و اعراض از مادیات به مدیر و رهبر؛
 - آموزش رعایت تقوا و محاسبه نفس.
- در ادامه به تفصیل به بیان سازوکارهای آموزشی قرآن کریم می‌پردازیم.

۱. سازوکارهای آموزشی مردم در راستای بهبود مشارکت عمومی

۱ - ۱. آموزش از طریق معرفی اسوه

قرآن کریم معرفی اسوه را یکی از سازوکارهای آموزشی مردم برای ایجاد انگیزه مشارکت عمومی دانسته و در آیات متعددی سعی دارد با معرفی مؤمنان واقعی افراد را تشویق کند تا خود را از نظر ویژگی به این افراد برسانند^(۳) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۹۳). در واقع، راهبرد قرآن برای ایجاد ظرفیت در شهروندان در امر مشارکت گاه معرفی افراد اسوه و نمونه‌ای است که خود نمونه کامل مؤمن واقعی و تکلیف‌مدار^(۴) هستند. برای مثال، قرآن با بیان ویژگی‌های مؤمن واقعی (جهاد کردن، انفاق کردن، زکات دادن و...) سعی دارد شهروندان را برای این امور تربیت کرده و بیان کند اگر می‌خواهید مانند مؤمنان واقعی (اسوه) باشید، باید به مشارکت اجتماعی بپردازید^(۵).

۲ - ۱. آموزش برپای نماز جماعت و جمعه به عنوان مبادی مشارکت عمومی

اسلام، دینی اجتماعی است و عنایت بسیاری به جامعه دارد، بسیاری از شئون اسلام مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... اجتماعی می‌باشند. در این میان، تأکید اسلام بر نماز آن هم به صورت جماعت، اثری شگرف بر مشارکت عمومی و مطلع شدن مردم از احوال یکدیگر دارد. در واقع، زمانی که مردم در روز سه بار و در هفته یکبار (البته به صورت گسترده‌تر و در قالب نماز جمعه) یکدیگر را ببینند، مسلماً شناخت بهتری از یکدیگر پیدا کرده و انگیزه لازم برای مشارکت عمومی در آنان افزایش می‌یابد. می‌توان گفت که یکی از دلایل تأکید اسلام بر اهمیت و جایگاه نماز جماعت نیز همین امر است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶۵).

۳ - ۱. آموزش نحوه جهاد به عنوان نمونه‌ای از مشارکت عمومی

جهاد، زکات و انفاق از مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام می‌باشند. در واقع، در صدر اسلام، مشارکت مردمی در قالب جهاد، زکات و انفاق نمایان می‌شد. قرآن برای اینکه مردم را به این مهم ترغیب کند، به آموزش آنان در این حوزه دست زده است. می‌توان گفت که اسلام در نظر دارد از طریق آموزش مردم، بلوغ لازم برای جهاد را در آنان ایجاد کند. راهبرد اسلام برای ایجاد ظرفیت در مردم برای جهاد این است آنان را از طریق آموزش و از قبل، برای این امر آماده سازد. این آماده‌سازی در مواردی مانند: نحوه جهاد، زمان جهاد، چگونگی جهاد، اینکه جهاد بر چه کسانی واجب و بر چه کسانی واجب نیست و... است^(۶) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۴۱ - ۳۲۰).

۴ - ۱. آموزش نحوه زکات و انفاق به‌عنوان نمونه‌ای از مشارکت عمومی

همان‌طور که می‌دانیم انفاق و زکات، یکی دیگر از نمونه‌های مشارکت مردم در صدر اسلام است. اسلام برای ایجاد انگیزه در مردم برای زکات و انفاق دست به آموزش آنها زده و این آموزش را بسیار جزئی و دقیق بیان می‌کند، بدین‌صورت که در مورد اینکه زکات و انفاق به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد، نحوه مصرف آنها چگونه است، کیفیت زکات و انفاق دادن باید چگونه باشد^(۷) و... آموزش‌هایی به مردم می‌دهد تا آنها به‌صورت کاملاً آگاهانه به این امور اقدام کنند. در واقع، اسلام فقط نمی‌گوید، مشارکت اجتماعی داشته باشید و زکات و انفاق کنید، بلکه مردم را عاقل و بالغ دانسته و با دادن آموزش و اطلاعات به آنها (در مورد اینکه این زکات و انفاق آنها چطور و برای چه کسانی هزینه می‌شود، زکات به چه اموری تعلق می‌گیرد، و اینکه فرد انفاق‌کننده و صدقه‌دهنده باید چه رفتاری داشته باشد)، سعی دارد به افراد ظرفیت لازم برای مشارکت را داده و افرادی تربیت کند که با دید باز و با دانش و اطلاعات دست به مشارکت بزنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۴۲ - ۲۴۱ و ج ۱۳: ۱۱۴). به‌عبارت‌بهرتر، راهبرد اسلام برای این نوع مشارکت عمومی (انفاق، زکات، صدقه و...) راهبرد شفافیت و بلوغ بوده و با شفافیت در امور سعی دارد شهروندانی بالغ تربیت کند که آگاهانه و خودجوش دست به زکات و انفاق بزنند.

۵ - ۱. آموزش نحوه شهادت‌دادن به‌عنوان یکی از موارد مشارکت عمومی

یکی از موارد مشارکت عمومی هم در ادبیات غرب و هم در قرآن، شهادت‌دادن و شرکت در دادگاه‌های عمومی است. قرآن در این باره نیز دست به آموزش مردم زده و نحوه شهادت‌دادن درست را به آنان آموزش می‌دهد،^(۸) تا مردمی بالغ و مطلع تربیت کند که به‌نحو احسن به شهادت‌دادن بپردازند. آموزش قرآن در این مورد به‌گونه‌ای است که هم مردم را به شهادت‌دادن ترغیب می‌کند و هم به آنان تأکید می‌کند که فقط برای رضای خدا شهادت دهند و شهادت به‌حق دهند، هر چند این شهادت به ضرر آنان باشد و در ادامه تأکید می‌کند که مبادا از ترس مال و جان و خانواده‌تان و رسیدن به سود و منفعت شخصی، شهادت دروغ دهید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۷۶). در نهایت باید عنوان کرد که از نظر علامه طباطبایی آموزش نحوه شهادت درست به مردم سبب انسجام بیشتر و تعالی جامعه می‌شود؛ چراکه شهادت مردم براساس هوا و هوس و به‌ناحق، سبب تضعیف حق و عدالت در جامعه شده و این مهم خود سبب هلاکت انسانیت در جامعه می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۷۷).

۶ - ۱. آموزش فانی‌بودن دنیا (اینکه اموری دنیوی مانند مال و فرزند زودگذر هستند) در راستای افزایش انگیزه برای مشارکت عمومی

یکی از راهبردهای قرآن برای ظرفیت‌سازی در مردم در امر مشارکت عمومی، آموزش این مطلب است که امور دنیوی مانند مال، فرزند، فانی و گذرینند.^(۹) در واقع، اسلام سعی دارد ریشه عدم تمایل به مشارکت (جهاد، انفاق، زکات و...) را در افراد از بین ببرد. این ریشه همان تمایل به امور دنیوی است. به عبارت بهتر، تمایل به مال و امور دنیوی سبب می‌شود مردم کم‌تر به مشارکت اجتماعی و بذل این امور بپردازند. دین اسلام سعی دارد با آموزش صحیح و تربیت درست افراد، این عدم تمایل را برطرف سازد. راهبرد اسلام در این مورد، راهبردی غیرمستقیم است؛ یعنی به‌طور مستقیم مردم را به مشارکت تشویق نمی‌کند، بلکه به‌صورت غیرمستقیم و با آموزش سعی دارد به‌طور ریشه‌ای مردم را برای مشارکت تربیت کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۹۰ و ج ۱۹: ۲۲۴ و ج ۹: ۲۷۶ - ۲۷۵).

۷ - ۱. آموزش نحوه تعامل با یکدیگر

قرآن کریم برای تسهیل امر مشارکت اجتماعی دست به آموزش نحوه تعامل صحیح افراد با یکدیگر زده تا از این‌راستا سبب افزایش ادب و احترام در جامعه شده و انگیزه مشارکت را در افراد بیشتر کند. به‌عنوان مثال، به مردم آموزش می‌دهد که جواب تحیت و سلام دیگران را به بهترین نحو پاسخ دهد^(۱۰) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۲). قرآن حتی به آموزش نحوه رفتن به خانه‌های یکدیگر پرداخته و بیان می‌کند که اگر می‌خواهید به خانه‌های یکدیگر بروید در زمان مناسب و با اجازه و اطلاع صاحب‌خانه باشد. در واقع، دین اسلام پس از تأکید بسیار بر صلح‌رحم و از احوال مردم خبردار بودن، این آموزش را نیز به مردم می‌دهد که رفتن به خانه یکدیگر نیز باید با برنامه و اصول باشد تا سبب مزاحمت برای یکدیگر نشود. این آموزش خود سبب احترام بیشتر در جامعه شده و جامعه‌ای ایجاد می‌کند که با رعایت احترام و ادب از احوال یکدیگر مطلع هستند. این امور خود سبب ایجاد ظرفیت در جامعه برای مشارکت‌های اجتماعی می‌شود^(۱۱) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۵۳). به عبارت بهتر، باید گفت دین اسلام برای تعالی جامعه و فرد و تشکیل جامعه‌ای مشارکت‌جو و مبتنی بر خیر و محبت و ادب و احترام، حتی امور جزئی مانند نحوه سلام کردن، نحوه تعامل و رفتن به خانه‌های یکدیگر را نیز به مردم آموزش می‌دهد.

۸ - ۱. آموزش نحوه برخورد با مال یتیم

اسلام در ادامه روند آموزشی خود برای ایجاد ظرفیت در مردم برای مشارکت بهتر و بیشتر، امری را به آنها آموزش می‌دهد که شاید در ظاهر، اثری بر مشارکت اجتماعی نداشته باشد، اما قطعاً اگر نیک به آن نگریسته شود، یکی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد ثبات و امنیت در جامعه بوده و سبب تربیت مردمی متعهد درقبال همه آحاد جامعه از جمله یتیمان می‌شود. در واقع، روند تربیتی قرآن برای ایجاد ظرفیت در مردم در امر مشارکت عمومی روندی منحصر به فرد است. قرآن کریم در راستای ایجاد ظرفیت در مردم سعی دارد آنها را درقبال قشری آسیب‌پذیر در جامعه یعنی یتیمان متعهد کند. در این راستا در برخی آیات از عدم تعرض به مال یتیم صحبت کرده و تأکید می‌کند که نه تنها به مال یتیم نزدیک نشوید، بلکه این مال را در کمال امانت‌داری نزد خود نگهدارید تا فرد مورد نظر به سن بلوغ رسیده و خودش به حد رشد برسد و بتواند از عهده اصلاح و حفظ آن برآید^(۱۲) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵۱۷ و ج ۴: ۲۶۴ - ۲۷۳) و از این طریق ظرفیت لازم برای تعهد درقبال همه آحاد جامعه را در آنان ایجاد کرده و زمینه را برای مشارکت عمومی بهبود بخشد.

۹ - ۱. آموزش نقش‌آفرینی جمعی

قرآن در راستای راهبردهای آموزشی و تربیتی خود برای افزایش ظرفیت در مردم برای مشارکت عمومی این مطلب را به مردم آموزش می‌دهد که اگر خواهان پیشرفت و تعالی هستید، باید خودتان تلاش کنید و خودتان زمینه‌های این تغییر را ایجاد کنید؛ چرا که خدا سرنوشت هیچ قومی را بدون تلاش آن قوم تغییر نمی‌دهد.^(۱۳) در واقع، راهبرد قرآن در این زمینه راهبرد آگاهی‌بخشی است و قرآن در نظر دارد با آگاه‌سازی مردم و آموزش این امر به آنان که تغییر و تعالی نتیجه زحمت، تلاش و مشارکت و همکاری خودتان است، ظرفیت لازم برای مشارکت عمومی را در آنان ایجاد کند. باید گفت که خداوند در قرآن چنین حکم رانده و حکمش را حتمی کرده است که نعمت‌ها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد که اگر آن حالات موافق با فطرتش جریان یافت آن نعمت‌ها و موهبت‌ها هم جریان داشته باشد. مثلاً اگر مردمی به خاطر استقامت فطرتشان به خدا ایمان آورده و عمل صالح کردند، به دنبال آن نعمت‌های دنیا و آخرت به سویشان سرازیر شود و مادامی که آن حالت در دل‌های ایشان دوام داشته باشد، این وضع هم از ناحیه خدا دوام باید و هر وقت که ایشان حال خود را تغییر دادند، خداوند هم وضع رفتار خود را عوض کند و نعمت را به نعمت مبدل سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴،

ج ۱۱: ۴۲۳).

۱۰ - ۱. آموزش نحوه برخورد با سخنان لغو و بیهوده

یکی از مواردی که در هر جامعه‌ای به چشم می‌خورد، سخنان و مناظرات بیهوده است. بسیار مشاهده شده است که بین مردم، مناظرات و سخنان بیهوده که هیچ ثمری ندارد، ایجاد شده و مردم در یک دور باطل گفتگو قرار می‌گیرند که نتیجه آن فقط سردرگمی بیشتر مردم و ایجاد شکاف بیشتر در جامعه است. دین اسلام در راستای راهبردهای آموزشی خویش در امر مشارکت، این بار به آموزش این مطلب به مردم پرداخته است که چطور با دوری کردن از مباحثات و گفتگوهای بیهوده، سبب آرامش خود شوند؛^(۱۴) به عبارت بهتر، اسلام سعی دارد با آموزش، مردمی بالغ تربیت کند که از درگیری در امور بیهوده از جمله درگیری در گفتگوهای بیهوده دوری کرده و تأکید می‌کند این اعراض و دوری کردن نیز باید به زبان خوش و محترمانه باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۷۷)، این مهم خود سبب ایجاد انسجام بیشتر در جامعه و تقویت ظرفیت مردم در امر مشارکت عمومی می‌شود؛ چراکه پرداختن به مناظرات و گفتگوهای بیهوده، سبب ایجاد تفرقه در جامعه شده و ظرفیت مشارکت عمومی در جامعه را تضعیف می‌کند.

۱۱ - ۱. آموزش مقدم بودن نظر ولی جامعه نسبت به نظر افراد

یکی از مهم‌ترین اموری که قرآن از ابتدا به آموزش آن پرداخته است، آموزش مقدم بودن نظر ولی جامعه در همه امور نسبت به مردم است. اسلام ابتدا به مردم این آموزش را می‌دهد که در همه امور باید از ولی جامعه که همان ولی خدا در جامعه است، اطاعت شود؛^(۱۵) چراکه اطاعت از ولی یعنی اطاعت از خدا و اطاعت از خدا یعنی سعادت جامعه. به عبارت بهتر، قرآن با آموزش تقدم اطاعت از ولی، این امر را به مردم آموزش می‌دهد که در همه امور باید سعادت جامعه را بر سعادت فردی ترجیح دهند و اگر ولی جامعه دستور مشارکت عمومی داد، حتماً از آن اطاعت کنند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این امر نیز سبب افزایش ظرفیت مشارکت عمومی در جامعه شده و جامعه‌ای با مردمی بالغ تربیت می‌کند. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: اولی بودن رسول خدا(ص) به مؤمنین از خود مؤمنین یعنی اینکه آن جناب اختیاردارتر نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین است و معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر را دائر دید بین حفظ منافع رسول خدا(ص) و حفظ منافع خودش، باید منافع رسول خدا(ص) را مقدم بدارد و در نهایت باید عنوان کرد که مؤمن هر حق و منافی که برای خودش قائل است، رسول خدا(ص) مقدم بر او

است، یعنی هر جا که امر دائر شد بین حفظ جان رسول خدا(ص)، یا جان خودش، یا بین دوست داشتن رسول خدا(ص)، یا دوست داشتن سایر موارد دیگر، جانب رسول خدا(ص) را بر جانب خود ترجیح دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۱۳).

۱۲ - ۱. آموزش تقوا و محاسبه نفس به مردم

تقوا به معنای مراقبت و مواظبت از خویش است. در اسلام ضمن تأکید بر قانون و اخلاق، بر ایمان و ذیل آن به مسئله تقوا، تأکید فراوانی شده است. تقوا، بصیرت‌بخش، نگاه‌دارنده انسان از ورود به شبهات، ضامن رفتار منطقی و حضور همراه با سلامت در جامعه است. آموزش رعایت تقوا به مردم سبب افزایش رفتارهای منطقی و اثربخش آنان در جامعه شده و انسجام اجتماعی را افزایش می‌دهد که این مهم سبب افزایش مشارکت عمومی در جامعه نیز می‌شود. به عبارت بهتر باید گفت، در لسان قرآن کریم هر کس در مسیر هدایت قرار گیرد خداوند بر هدایتش می‌افزاید و او را مزین به تقوا می‌کند.^(۱۶) در ادبیات دینی از افراد خواسته شده است در درون خود، دادگاهی تشکیل دهند و رفتار و اعمال خود را محاسبه و ارزیابی کنند. چنین رفتاری، ضامن تعالی فرد و صلاح رفتارهای نادرست پیشین فرد از درون خود وی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۷۷ - ۳۷۶).

۱۳ - ۱. آموزش تلازم ایمان و عمل صالح

همان‌طور که می‌دانیم، رفتار، برآمده از نگرش‌ها و بینش‌ها و باورهای افراد است. هرگاه نگرش‌ها و بینش‌ها اصلاح شود رفتار که معلول آنهاست نیز تغییر می‌کند. براین اساس، بین ایمان (باور برآمده از بینش و نگرش) و اعمال افراد، رابطه متقابل وجود دارد و ایمان همراه با عمل صالح، کارساز است.^(۱۷) در واقع، نه ایمان به تنهایی اثربخش است و نه عمل صالح بدون ایمان، شدنی است. ایمانی واقعی و اثربخش است که در مرحله عمل، نمود پیدا کند (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۳۷)، آموزش این امر به مردم سبب افزایش رفتارهای مثبت و اثربخش (مانند مشارکت‌های اجتماعی) در آنها می‌شود. در نهایت باید عنوان کرد که ایمان، به انسان قدرت و جرئت می‌بخشد و در سایه ایمان، می‌توان بر همه جهان غالب شد، البته نه ایمان به تنهایی دردی را دوا می‌کند و نه رفتار و عمل بدون ایمان؛ لذا بر ایمان و عمل توأم و تأثیر آنها بر یکدیگر و نهایتاً بر تعالی فرد تأکید بسیاری وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۴).

۱۴ - ۱. آموزش آراستگی ظاهری و درونی

آراستگی ظاهری افراد، سبب افزایش آراستگی جامعه شده و انگیزه لازم برای مشارکت عمومی را در آنها ایجاد می‌کند. در واقع، جامعه‌ای که افرادی هم از نظر ظاهری آراسته بوده و به پوشش خود اهمیت دهند و هم از نظر درونی به رفتار آراسته و احترام‌آمیز زینده باشد، ظرفیت بیشتری برای مشارکت عمومی دارد. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: قرآن کریم نیز به اصل آراستگی و ظاهر پاکیزه توجه کرده است ولی آراستگی را تنها در آراستگی ظاهری محصور نکرده و بر آراستگی درونی و لباس تقوا تأکید نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۸۶).^(۱۸)

۱۵ - ۱. آموزش مسئول بودن هر کس در برابر اعمال خود و جامعه

در نگاه اسلامی کلیه افراد جامعه نه تنها در برابر اعمال و رفتار خود مسئولند و باید پاسخگو باشند، بلکه در برابر جامعه نیز مسئولیت دارند. در این نگاه، هر کس بر اساس جایگاه، شرایط و استعدادها خود در جامعه مسئول است. در واقع، در نظام الهی رفتار مردم از سه نظر فرد، جامعه و امت مورد بررسی و نظارت قرار گرفته و از آنها درباره عملکردشان در این سه سطح، بازخواست خواهد شد (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۴۰). آموزش این سطح از مسئولیت‌پذیری و تعهد به مردم، سبب افزایش مشارکت عمومی در جامعه خواهد شد، البته از نظر قرآن دایره این مسئولیت‌پذیری نه تنها هر جامعه و خانواده در قبال همان جامعه و خانواده مسئول است، بلکه در قبال نسل‌های آتی نیز مسئول است. هر سنت و فرهنگی که به وجود می‌آید - چه خوب و چه بد - اثر آن در جامعه و خانواده باقی خواهد ماند و به نسل‌های آینده انتقال می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷۲).

۱۶ - ۱. آموزش مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری

آموزش مسئولیت‌پذیری و فرمان‌بری یکی از مهم‌ترین اصول آموزشی قرآن در راستای تقویت مشارکت عمومی است. در نگاه قرآنی افراد باید در قبال وظایفی که به آنها محول می‌شود، مسئولیت‌پذیر باشند. در این نگاه مسئولیت‌پذیری و فرمان‌برداری با یکدیگر درهم تنیده است. مادامی که مسئولیت مشخص شود، فرمانده معلوم می‌شود و فرمان‌برداری مفهوم می‌یابد. در این نگاه، مسئولیت‌پذیری و فرمان‌برداری به قدری اهمیت دارد که استنکاف آن موجب خلود در آتش جهنم خواهد بود.^(۱۹) در نگاه اسلامی همه درباره وظایف محول به ایشان در فضایی مبتنی بر عدالت^(۲۰) در حد و سعشان، مسئول و پاسخگو هستند.^(۲۱) مسئولیت، تابع در جریان قرار گرفتن افراد از طریق شنیدن و دیدن،^(۲۲) علم و آگاهی و قدرت اجرای مسئولیت است.^(۲۳) در نگاه قرآنی افراد آگاه‌تر مسئولیت

بیشتری دارند.^(۲۴) همچنین هر فردی در دایره مسئولیت خود، موظف به ادای وظیفه است و حق تجسس و ورود به حوزه‌هایی را که از آنها منع شده است، ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۶۹).^(۲۵)

۱۷ - ۱. آموزش تقدم پیوند قلوب بر اتحاد ظاهری

جامعه را می‌توان به‌مثابه پیکر انسانی دانست که افراد، سلول‌های آن و نهادها و سازمان‌ها، اعضای آن هستند، ولی آنچه این پیکر را از لاشه مرداری متمایز می‌کند، روح آن است. روح جامعه همانا پیوند قلبی آحاد آن براساس فطرت، رأفت و محبت است، و گرنه، مادامی‌که، مبنای تعاملات و روابط، اتحادهای برآمده از قانون و مقررات و قراردادهای نوشته به دست اقلیت و یا حتی مورد تأیید نظامات دموکراتیک باشد، هیچ‌گاه این روح جمعی به‌وجود نمی‌آید و یا سخت شکننده خواهد بود.^(۲۶) در واقع، پیوندی که براساس فطرت و به‌صورت قلبی باشد، بسیار اثربخش‌تر و عمیق‌تر از پیوند ظاهری و برمبنای قانون است (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۲۶). آموزش و تقویت این نوع پیوند بین مردم، سبب افزایش انسجام اجتماعی و مشارکت عمومی در جامعه خواهد شد، باید گفت اتحاد قلبی و فطری نیز با جمع‌شدن حول رهبر الهی، با شعاری مشترک و برآمده از اعماق وجود انسان‌ها، به سوی سعادت نهایی ممکن خواهد بود. در نگاه دینی، محبت حقیقی و والا برای خداست و حب حقیقی است که در تمام موجودات عالم، سریان و جریان دارد و موجب الفت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۲۱).

۱۸ - ۱. آموزش امر به معروف و نهی از منکر

در نگاه اسلامی، وجه ممیز جامعه اسلامی از سایر امت‌ها، امر به معروف و نهی از منکر ایشان است و امر به معروف و نهی از منکر نکردن، نتیجه‌ای جز فروریختن انتظام و انسجام جامعه نخواهد داشت (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۴۶).^(۲۷) آموزش این مهم به مردم سبب افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد شده و مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد. این آموزش باید شامل شناخت معروف و منکر در همه عرصه‌ها، توجه دقیق به کیفیت استخدام وسیله در امر و نهی‌ها و توجه به شیوه اثرگذاری (به‌صورت هنرمندانه) و رعایت تقدم دعوت، ابلاغ، نصیحت، تبشیر، تنذیر و امر و نهی به‌صورت مرحله‌ای باشد. در واقع، باید گفت افراد در نگاه قرآنی به غیر از مسئولیت‌های فردی، دارای مسئولیت اجتماعی هستند (اصل توأم فرد و جامعه). ایشان به‌دلیل برخورداری از اصول عملی و غایت در زندگی نمی‌توانند نسبت به پیرامون خود بی‌اعتنا باشند، لذا باید اهل دعوت به خیر و معروف و نهی از بدی‌ها و زشتی‌ها باشند، زیرا راضی‌شدن به گناه دیگران، خود جرم بزرگی است.

در نگاه قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر، از لوازم اجتماع معتصم به حبل الله است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷۷).

۲. سازوکارهای آموزشی مدیران در راستای بهبود مشارکت عمومی

قرآن در راستای ظرفیت‌سازی در جامعه برای بهبود مشارکت عمومی، علاوه بر آموزش مردم، به آموزش مدیران جامعه نیز پرداخته و در آیات متعددی به آموزش پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد و ایشان را برای ولایت جامعه آماده می‌کند. در زیر به برخی از این سازوکارهای آموزشی اشاره می‌شود:

۱ - ۲. آموزش تقدم تزکیه بر تعلیم

قرآن در گام اول آموزش رسول اکرم (ص) به‌عنوان مدیر و ولی جامعه، فلسفه بعثت ایشان را بیان کرده و تأکید می‌کند که هدف از بعثت ایشان تربیت و تعالی در جامعه است و برای رسیدن به این هدف باید به تزکیه و تعلیم افراد جامعه اقدام شود. به عبارت بهتر، اولین گام قرآن در آماده‌سازی پیامبر اکرم (ص) برای امر اداره جامعه، آموزش این امر است که اولاً چرا ایشان فرستاده شده‌اند، ثانیاً برای رسیدن به این هدف ایشان باید چه کارهایی انجام دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۷ - ۴۴۳).^(۲۸) در واقع، در نگاه قرآن تزکیه هم به معنای رشد و نمو و هم به معنای پاکسازی است. اینکه در آیات قرآن تزکیه بر تعلیم و یادگیری تقدم یافته، حاکی از این است که تا وقتی وجود انسان از مشوبات و ناخالصی‌ها پاک نشود، یادگیری‌ها، اثربخش نخواهد بود؛ زیرا همانند ظرفی خواهد بود که در آن گلاب ناب بریزند درحالی‌که، قبل از آن از مواد ناپاک و بدبو ملوث شده است. چنین ترکیبی جز افزایش بوی تعفن، دستاوردی نخواهد داشت (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۵۴).

۲ - ۲. آموزش نحوه تعامل با مردم (آموزش تقویت رابطه رهبر و افراد مبتنی بر انس و الفت)

قرآن کریم در ادامه روند آموزشی خود برای افزایش ظرفیت مشارکت عمومی در جامعه به آموزش نحوه تعامل مدیر جامعه با مردم می‌پردازد و به مدیر جامعه این آموزش را می‌دهد که با زبان نرم و با محبت برخورد کند؛ چراکه اخلاق بد و زبان تند، نه تنها مردم را به مشارکت عمومی تشویق نمی‌کند، بلکه سبب دوری مردم از جامعه و رسول خدا شده و انسجام اجتماعی را از بین می‌برد.^(۲۹) به عبارت بهتر، قرآن در راستای ایجاد انسجام در جامعه سعی دارد با آموزش نحوه صحیح تعامل با مردم به پیامبر، جامعه‌ای منسجم ایجاد کند که ظرفیت لازم برای اطاعت به فرامین قرآن و مشارکت عمومی را داشته باشند. بنابراین، به پیامبر تأکید می‌کند که حتماً در همه امور با مردم

مهربان باشد و با زبان نرم و محبت آنان را برای عمل به فرامین الهی جذب کند. در نگاه قرآنی هدایت‌ها باید رنگ و بوی محبت داشته باشد^(۳۰) و رهبر باید دلسوز مردم جامعه باشد و از این رو، در ادبیات قرآنی، امامت و رحمت (دلسوزی) و هدایت، در کنار هم هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۱۱).

۳ - ۲. آموزش تقویت رابطه مدیر و رهبر با خدا

براساس آموزه‌های قرآنی، رابطه عاشقانه با رب‌العالمین و تسلیم او بودن، شرط رهبری است.^(۳۱) در جامعه اسلامی، ایمان، شرط اصلی مدیریت و سرپرستی است^(۳۲) و مدیران در سازمان الهی باید رابطه وثیق‌تری با خداوند داشته باشند و همه نعمت‌ها را از او بدانند. ایشان باید متوجه باشند که تقوا و احساس حضور در محضر الهی، هم ایشان را از گناه باز می‌دارد و هم به ایشان اطمینان قلبی و طمأنینه خواهد داد. مدیر باید همواره برای دوری از هوای نفس استغفار کند^(۳۳) و مسئولیت‌هایش هر قدر هم بزرگ باشد، نباید مانع عبادت و اعتکاف و خلوت با خدا شود،^(۳۴) زیرا هر که ایمانش بیشتر باشد، نسبت به تکلیف و خواست الهی، تسلیم‌تر است و خود، بیشتر احساس عجز می‌کند،^(۳۵) امتیازات و برتری‌های خود را از خدا می‌داند و با قلبی مطمئن، استوار و آرام، مدیریت می‌کند (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۱۳). همان‌طور که می‌دانیم مدیرانی که رابطه عمیق‌تر و بهتری با خدا دارند، مسلماً رابطه بهتری نیز با خلق خدا خواهند داشت، تربیت چنین مدیرانی سبب بهبود رابطه حکومت با جامعه شده و مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد.

۴ - ۲. آموزش سعه‌صدر و مشورت‌پذیری مدیر و رهبر

مدیران باید از درون خود نسبت به زیردستان، تواضع و در امور مربوط به افراد از مشورت استفاده کنند،^(۳۶) زیرا در مشورت، تفقد از نیروها، شکوفایی استعدادها، شناخت دوستان از دشمنان، گزینش بهترین رأی، ایجاد محبت و علاقه و درس عملی برای دیگران نهفته است (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۱۲). درواقع، مدیرانی که با افراد جامعه مشورت می‌کنند، انگیزه لازم برای مشارکت عمومی را در آنها تقویت کرده و سبب افزایش مشارکت اثربخش مردم با حکومت می‌شوند. آموزش انتقادپذیری و سعه‌صدر به مدیران نیز سبب می‌شود آنها با دقت و حوصله بیشتری به نظرات مردم توجه کنند. درواقع، باید گفت که حاکمان باید نسبت به انتقادات افراد، گوش شنوا داشته باشند. از نظر علامه طباطبایی نیز از صفات رهبر آگاه، سعه‌صدر،^(۳۷) گوش‌دادن مؤثر به حرف همه گروه‌ها،^(۳۸) برخورد محبت‌آمیز با آنان، عیب‌پوشی و باز گذاشتن راه عذر و توبه

افراد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۷۸).

۵ - ۲. آموزش ساده‌گویی و بیان روان مدیر و رهبر

تعامل سازنده مدیران بخش عمومی با مردم سبب افزایش انگیزه آنان برای مشارکت عمومی می‌شود، از این‌رو، تعامل ساده و بدون تکلف و با صداقت مدیران با مردم نه تنها سبب افزایش مشارکت عمومی در جامعه می‌شود، بلکه کیفیت مشارکت را نیز افزایش خواهد داد (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۲۷). علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: ساده‌گویی و بیان روان، کمال است^(۳۹) و مدیران باید بدانند مادامی که با پیچیده‌گویی یا از موضع تکبر، امر و نهی کنند، امکان فهم و پذیرش برای بخشی از افراد سازمان و قهرماً تبعیت آنها از دستورهای مدیران نخواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۸).

۶ - ۲. آموزش زهد و اعراض از مادیات به مدیر و رهبر

در فرهنگ اسلام مدیران اجر و پاداش خود را نه تنها در دنیا نمی‌بینند، بلکه اعتقاد دارند متاع دنیا اندکی بیش نیست. در این فرهنگ مدیران با رفتار زاهدانه خود تحمل سختی‌های زندگی را برای افراد ضعیف قابل تحمل‌تر کرده و روحیه مشارکت را در جامعه افزایش می‌دهند؛ چراکه زمانی که مردم زندگی ساده و بی‌تکلف (نه اشرافی) مدیران خود را ببینند، اعتمادشان به سیستم حکومتی افزایش یافته و با انگیزه بیشتری در امور عمومی شرکت خواهند کرد (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۶۷). در واقع، باید گفت که مدیران الهی باید تلاش کنند ضمن تلاش و کوشش و فعالیت در دنیا به آن دل‌بسته نشوند و حتی از موضع تهمت دنیاپرستی فاصله بگیرند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۱۱).

۷ - ۲. آموزش رعایت تقوا و محاسبه نفس

تقوا به معنای مراقبت و مواظبت از خویشتن است. در اسلام ضمن تأکید بر قانون و اخلاق، بر ایمان و ذیل آن به مسئله تقوا، تأکید فراوانی شده است. تقوا، بصیرت‌بخش، نگاه‌دارنده انسان از ورود به شبهات، ضامن رفتار منطقی و حضور همراه با سلامت در جامعه است (لطیفی، ۱۳۹۲: ۲۷۶). آموزش رعایت تقوا به مدیر سبب افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری وی شده و احتمال سوءاستفاده از پست و مقام را در وی کاهش می‌دهد. در واقع، مدیرانی که با تقوا بوده و همواره به محاسبه نفس پردازند، چند صباح مدیریت خود را فرصتی برای خدمت به خلق خدا دانسته و همه تلاش خود را به جای سوءاستفاده و ثروت‌اندوزی برای بهبود اوضاع مردم صرف می‌کنند. رفتار مدیران به این صورت اعتماد مردم به نظام حکومتی را نیز افزایش داده و سبب بهبود مشارکت

عمومی در جامعه می‌شود. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: در لسان قرآن کریم هر کس در مسیر هدایت قرار گیرد، خداوند بر هدایتش می‌افزاید و او را مزین به تقوا می‌کند^(۴۰) در ادبیات دینی از افراد خواسته شده است در درون خود، دادگاهی تشکیل دهند و رفتار و اعمال خود را محاسبه و ارزیابی کنند. چنین رفتاری، ضامن تعالی فرد و اصلاح رفتارهای نادرست پیشین فرد از درون خود وی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۳۷۷-۳۷۶).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ایجاد تعامل اثربخش بین مردم و حکومت، مهم‌ترین وظیفه حکومت‌هاست (وگت و هس^۱، ۲۰۱۵: ۱۲)؛ چراکه این تعاملات سبب بهبود عملکرد حکومت‌ها شده، رضایت عمومی را افزایش داده و انسجام اجتماعی را در جامعه بیشتر می‌کند (دیویس و همکاران^۲، ۲۰۱۲: ۳۴). اندیشمندان، سازوکارهای مختلفی را برای افزایش مشارکت عمومی طراحی کرده‌اند (آگر^۳، ۲۰۱۲: ۱۰۹؛ هاشاگن^۴، ۲۰۰۲: ۴؛ شیدی، ۲۰۰۸: ۱۵۶). با این وجود، نبود مشارکت اصیل و اثربخش هنوز هم چالش اصلی حکومت‌هاست (کینگ و همکاران، ۱۹۹۸: ۹۶).

در این مقاله سعی شد براساس قرآن کریم و از منظر تفسیر شریف المیزان به کشف سازوکارهای بهبود تعامل مردم - حکومت بپردازیم. قرآن کریم، تربیت و آموزش مردم و مدیران را مهم‌ترین عامل برای بهبود مشارکت عمومی دانسته و معتقد است با آموزش اصولی و اثربخش مردم و مدیران می‌توان هم ظرفیت مدیران را برای برقراری ارتباط مؤثر با مردم افزایش داد و هم مردم را برای مشارکت عمومی آماده کرد. استفاده از سازوکارهای آموزشی قرآن کریم می‌تواند سبب بهبود تعامل مردم - حکومت شود. به‌عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تربیتی قرآن کریم آموزش انفاق و زکات است. قرآن کریم برای تشویق مردم در این امر به‌طور کاملاً شفاف دست به آموزش مردم زده و مواردی (مانند اینکه انفاق و زکات بر چه چیزهایی شامل می‌شود، بر چه کسانی واجب است، اموال حاصل از انفاق و زکات کجا و چگونه هزینه می‌شود، اثرات فردی و اجتماعی انفاق و زکات چیست و...) را به مردم آموزش داده و از این طریق، انگیزه مردم را برای

1 - Vogt & haas

2 - Davies et al

3 - Agger

4 - Hashagen

این امور افزایش می‌دهد. در واقع، قرآن کریم مردم را افرادی بالغ و صاحب‌خرد دانسته و در نظر دارد با شفاف‌سازی و مطلع کردن مردم، آنان را به مشارکت عمومی (انفاق و زکات) ترغیب کند. حال‌اگر، این راهبرد در مورد مالیات در کشور پیاده شده و دولت به نحو صحیح و به‌طور شفاف مردم را در جریان مصرف مالیات و اثرات آن قرار دهد، مسلماً انگیزه مردم برای مالیات‌دادن بیشتر می‌شود. به‌عنوان مثالی دیگر قرآن به مردم آموزش می‌دهد هنگام برخورد با سخنان لغو و بیهوده و شایعات اصلاً به آن توجه نکرده و تنها به نظر مدیر و ولی جامعه توجه کنند؛ همان‌طور که می‌دانیم عصر حاضر عصر اطلاعات و دنیای مجازی بوده و شبکه‌های اجتماعی از طرق مختلف، اخبار پوچ و بی‌پایه در اختیار مردم قرار می‌دهند، گاه این اخبار سبب دل‌سردی مردم از حکومت شده و مشارکت عمومی را کاهش می‌دهد، حال‌اگر، به سبک قرآن، مدیران از ابتدا به آموزش مردم پرداخته و به آنان آموزش دهند که با سخنان و اخبار لغو و بیهوده چطور برخورد کنند، مسلماً انگیزه مردم برای مشارکت با حکومت بیشتر می‌شود. البته در اینجا تأکید بر اخبار و اطلاع‌رسانی پوچ و کذب منتشرشده از سوی برخی از شبکه‌های اجتماعی است؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی در بسیاری موارد نیز سبب آگاهی مردم شده و شفافیت را در جامعه افزایش می‌دهد. به‌عنوان مثالی دیگر می‌توان آموزش نحوه تعامل مردم با یکدیگر را در قرآن بیان کرد. قرآن کریم به مردم آموزش می‌دهد که با ادب و نزاکت با یکدیگر تعامل داشته، در امور یکدیگر تجسس نکنند؛ حال‌اگر، این اصول تعاملی از ابتدا به همه مردم (از سطح مدارس) آموزش داده شود، مسلماً در جامعه شاهد تعامل بهتر مردم با یکدیگر و با حکومت خواهیم بود؛ تعاملی که اثربخش بوده و با تجسس متفاوت است. قرآن کریم آموزش را تنها به مردم محدود نکرده و برای ایجاد تعاملی اثربخش بین مردم و حکومت به آموزش مدیران نیز پرداخته است. به‌عنوان مثال، قرآن پیامبر(ص) را (به‌عنوان حاکم و مدیر جامعه) به برخورد نرم و ملایم با مردم دعوت کرده و به ایشان آموزش می‌دهد که با زبان خوش با مردم ارتباط برقرار کنند. این اصل تربیتی باید بین مدیران در عصر حاضر نیز به کار برده شود و از این طریق مردم برای تعامل بهتر با حکومت انگیزه بیشتری داشته باشند. درنهایت، باید عنوان کرد که همان‌طور که قرآن آموزش مردم و مدیران را عاملی مهم در بهبود تعامل مردم و حکومت می‌داند، حکومت‌ها نیز برای بهبود مشارکت عمومی باید به تربیت و آموزش، توجه ویژه‌ای داشته باشند و از این طریق زمینه را برای مشارکتی عمیق و اثربخش در جامعه مهیا کنند.

یاداشتها

- ۱ - أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ / مانده ۴۸
- ۲ - لازم به ذکر است که در ادبیات قرآنی از مفهوم جامع و محوری ولی استفاده شده است.
- ۳ - قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴) وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) فَمَنْ ابْتغى وراءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹) أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰) الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱) / مومنون - وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸) وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (۳۹) / شوری
- ۴ - در اینجا منظور از تکلیف‌مدار، تکالیف اجتماعی مؤمنان مانند مشارکت عمومی است.
- ۵ - إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ / حجرات ۱۵
- ۶ - فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَثْتُمْهُمْ فَشُدُّوا الرِّبَاطَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدَهُ وَ إِمَّا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَرْزَاقَهَا ذَلِكَ وَ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَ لَكِن لِيُنلُوا بَعْضَكُمْ بَعْضًا وَ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ / محمد ۴ - وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۱۹۰) وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَ أَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۱۹۱) فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۹۲) وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۹۳) الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۹۴) وَ اتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْفُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۹۵) / بقره - لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَ لَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَ مَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَنْ يَتَوَلَّ يَعدُوهُ عَدَاوًا أَلِيمًا / فتح ۱۷
- ۷ - مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۱) الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَ لَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۶۲) قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَ اللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (۲۶۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْآذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲۶۴) وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ اِتِّعَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْنِيَةً مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۶۵) أَمْ يَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَجِيلٍ وَ أَغْصَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَةٌ الْكَبِيرُ وَ لَهُ ذُرِّيَةٌ ضِعْفًا فَأَصَابَهَا إِغْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۶۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

أَمِنُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْ طَيِّبَاتٍ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (٢٦٧) الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٢٦٨) يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذْكَرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (٢٦٩) وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (٢٧٠) إِنْ تَبَدَّلُوا الصَّدَقَاتِ فَبِعَمَاءٍ هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٢٧١) لَيْسَ عَلَيْكُمْ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا لِأَنْبِعَاءِ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يَرِيفَ إِلَيْكُمْ وَآتَتْكُمْ لَا تَطْلُمُونَ (٢٧٢) لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْئَلُونَ النَّاسَ إِحْفَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (٢٧٣) الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٢٧٤) / بقره- يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ / بقره. ٢١٥- وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (٢٩) إِنْ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (٣٠) / اسراء

٨ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (١٣٥) / نساء

٩ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (٩) وَآتَفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ لَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصْدَقَ وَوَكُنْتُ مِنَ الصَّالِحِينَ (١٠) وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١١) / منافقون- إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (١٥) فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يوقِ شَحْمَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (١٦) / تباين- قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (٢٤) / توبه- وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (٦٤) / عنكبوت

١٠ - وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِمَّا أُرْسِلْتُمْ فِيهَا أَوْ رَدُّوهُا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (٨٦) / نساء
١١ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٢٧) فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (٢٨) / نور

١٢ - وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَا كَانِ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَ صِدْقٌ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (١٥٢) / انعام- وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ خُوبًا كَبِيرًا (٢) وَإِنْ

- خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِبُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِن خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (۳) وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۵) وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِن آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَغْفِرْ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶) / نساء
- ۱۳ - لَهُ مَعْجِبَاتٌ مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِن خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِمَّنْ أَمَرَ اللَّهُ بِأَن يَأْكُلُوا مِمَّا بَنَنَّا لَهُمْ وَإِذَا سَأَلُوا فَاسْأَلُوا وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ الَّتِي بَنَنَّا لَهُمْ لَكُم بِاللَّهِ عَاقِبَاتُهَا سَعِيدَةٌ (۱۱) / رعد
- ۱۴ - وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵) / فصل
- ۱۵ - النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكُمْ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا / احزاب ۶
- ۱۶ - وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ / محمد ۱۷
- ۱۷ - قِيمًا لِّبَدْرِ تَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا / كهف ۲
- ۱۸ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا يَكُنْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بئْسَ الِاسْمُ الِلسْتُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ / حجرات ۱۱
- ۱۹ - مَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّبِينٌ / نساء ۱۴
- ۲۰ - وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَرَكِيَ فإِنَّمَا يَتَرَكِ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ / فاطر ۱۸
- ۲۱ - لَا يَكْفِيكَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ / بقره ۲۸۶
- ۲۲ - وَلَوْ لَأِذٌ سَمِعْتُمْوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ / نور ۱۶
- ۲۳ - إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَّا يَسْتَضِعُونَ جِهَلَةً وَلَا يُهْتَدُونَ سَبِيلًا / نساء ۹۸
- ۲۴ - وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَّلِيٍّ وَلَا وَاقٍ / رعد ۳۷
- ۲۵ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ / حجرات ۱۲
- ۲۶ - وَأَلْفَ بَيْن قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْن قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ / انفال ۶۳
- ۲۷ - كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ / آل عمران ۱۱۰

- ۲۸ - هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَئِي ضَالِّينَ (۲) / جمعه
- ۲۹ - فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹) / آل عمران
- ۳۰ - وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ / نمل ۷۷
- ۳۱ - وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۳۲) / بقره
- ۳۲ - لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ / آل عمران ۲۸
- ۳۳ - وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا / نساء ۱۰۶
- ۳۴ - وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ / اعراف ۱۴۲
- ۳۵ - قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ / اعراف ۱۸۸
- ۳۶ - وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ / شوری ۳۸
- ۳۷ - قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي / طه ۲۵
- ۳۸ - وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ / توبه ۶۱
- ۳۹ - وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي / طه ۲۷
- ۴۰ - وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ / محمد ۱۷

منابع

قرآن کریم.

- آقازاده، احمد (۱۳۸۵)، اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره ۵: ۶۶ - ۴۵.
- بیات، علی و مقبول، مهناز (۱۳۹۰)، بررسی نقش رسانه ملی در اثربخشی آموزش های شهروندی بر شهروندان (مطالعه موردی: آموزش تفکیک زباله از مبدأ)، سمینار رسانه و آموزش شهروندی، اداره کل آموزش های شهروندی شهرداری تهران: ۲۳ - ۱.
- پورزندی، محمد و طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن (۱۳۹۵)، بانکداری اجتماعی با نگاهی بر اقتصاد شهری و آموزش سرمایه انسانی، تهران: انتشارات آکادمیک، چاپ دانشگاه خوارزمی.
- تیمورزاد، کاوه؛ یوزباشی، علی رضا و ابراهیمی، مجید (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر آموزش شهروندی باتأکید بر توسعه

- پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرداری زنجان)، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۵: ۱۷ - ۱.
- خلیلی، علی و حاضری، محمدعلی (۱۳۹۳)، بررسی آموزش شهروندی در برنامه درسی آشکار نهاد آموزش رسمی کشور، دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره دوم، شماره ۶: ۴۶ - ۳۵.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵)، روش‌شناسی مطالعات دلالت‌پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۸۶: ۳۳ - ۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رحیمیان، مسعود و شیرازی‌زاده، آیناز (۱۳۹۰)، آموزش شهروندی، واقعیتی در شهرسازی امروز، سمینار رسانه و آموزش شهروندی، اداره‌کل آموزش‌های شهروندی شهرداری تهران، ۱۳۹۰: ۲۰ - ۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ج ۵، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فیضی، سینا؛ احمدیان، پیام؛ مطاعی، محمدسعید و زارعی، ساجد (۱۳۹۷)، نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تاثیر آموزش آن بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیم‌نگاهی به دیدگاه منابع اسلامی. فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، سال اول، شماره ۱.
- قربانی، رضا؛ مجدانیان، آذر و والی، مینا (۱۳۹۰)، ارائه مدلی برای آموزش شهروندی بر مبنای پادکست بلوتوثی، سمینار رسانه و آموزش شهروندی، اداره‌کل آموزش‌های شهروندی شهرداری تهران، ۱۳۹۰: ۱۷ - ۱.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و عسکری کویری، اسما (۱۳۹۳)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی باتا‌آکیدیبر آموزش‌های شهروندی، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۴: ۱۰۰ - ۷۵.
- لطیفی، میثم (۱۳۹۰)، روش‌شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر، اندیشه مدیریت راهبری، سال پنجم، شماره دوم: ۴۳ - ۱.
- لطیفی، میثم (۱۳۹۲)، مبانی و اصول نظم و انضباط در سازمان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۶)، فرهنگ دانشگاهی عربی - فارسی، ترجمه المنجد الابجدی، ترجمه احمد سیاح، تهران: انتشارات فرحان.
- معین، محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۲)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- نرم افزار جامع التفاسیر: نورالانوار ۳ (۱۳۸۵)، قم: موسسه تحقیقات کامپیوتری نور.

منابع انگلیسی

- Abdi, A A., & Shultz, L. (2013). Youth, social engagement and citizenship in Canada: educational challenges and alternatives. *Sisyphus. Journal of Education*. 1(2).Pp. 54-74

- Agger, A. (2112). **Toward tailor made participation: how to involve types of citizens in participatory governance**. Roskilde: Roskilde University press. Pp.106-110
- Anderson. D., arazy. O., and Nov, O.(2011).**technology-Med rated citizen science participation: a motivational model**.proceedings of the AAAI international conference on weblogs and social media. Pp. 334-348
- Bonsón Enrique, Sonia Royo, Melinda Ratkai. (2015). **Citizens' engagement on local governments' Facebook sites. An empirical analysis: The impact of different media and content types in Western Europe**. Government Information Quarterly. Pp.32. 42-53
- Cerighton, james L. (2005). **the public participation handbook:Making bertter decisions through citizen involvement**. www.josseybass.com. Pp.28-39
- Chung, So Yoon. (2011). **Fostering Citizen Participation Through Innovative Mechanisms In Governance, Policy, And Decision Making: Comparing Washington, DC And Seoul**. A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy Approved. Pp. 1-234
- Davies, A; Simon, J; Patrick, R; & Norman, W. (2012). **Mapping citizen engagement in the process of social innovation**. Brussels: TEPSIE. Pp.30-46
- De La Caba Collado, M., & Lopez Atxurra, R. (2006). **Democratic citizenship in textbooks in Spanish primary curriculum**. Journal of curriculum studies. 38(2).Pp.205-228
- Denhart, Robert & Janet vinzant denhart. (2000). **The new public service:serving rather than steering**. Public administration review.vol60.no6. Pp.63-80
- Fischer, F., & Gottweis, H. (2012). **The argumentative turn revisited: Public policy as communicative practice** .Edited by Frank Fischer and Herbert Gottweis. Durham: Duke University Press. Pp.1-28
- Hashagen, S. (2112). **Models of community engagement**. Scotland: Scottish Community Development Centre. Pp. 3-14
- Hoppe, R. (2011). **The governance of problems: Puzzling, powering and participation**. Bristol, UK: The Policy Press. Pp.1-28
- Horsbol ander, langer lassen, Phillips, Louise, Carvalho, Anabela, and Doyle, Julie, eds. (2012).**Citizen Voices: Performing Public Participation in Science and Environment Communication (1)**. Bristol, GB: Intellect, 2012. Pp.62-75
- Jeppesen, L. B., & Lakhani, K. R. (2010). **Marginality and problem-solving effectiveness in broadcast** .Search. Organization Science.21(5).Pp. 1016_1033
- Keating, A., & Janmaat, J. G. (2016). **Education Through Ci tizenship at School: Do School Activities Have a Lasting Impacton Youth political Engagement?**. Parliamentary Affairs. 69(2).Pp. 409-429.
- King, Cheryl Simrell, Kathryn M. Feltey, & Bridget O'Neill Susel. (1998). **the Question of Participation: Toward Authentic Public Participation in Public Administration**. Public Administration Review. Vol. 58. No 4. pp.95-123
- Kostakopoulou, Dora. (2008). **the Future Governance of Citizenship**. Cambridge University Press. ProQuest Ebook Centra.Pp. 52-65
- Liu, H.-C. (2111). **Organizational accountability in emergency management: examining typhoon morakot from citizen's perspective**. A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Public Administration. College of Business and Public Management Department of Public and Health Administration. Pp.132-154
- Naval, concepcion; murray print; ruud veldhuis. (2002). **Education for Democratic Citizenship in the New Europe: context and reform**. European Journal of Education. Vol. 37. No. 2. Pp. 5-28
- Parry G., Moyser, G., Day, N. (1992). **Political Participation and Democracy in Britain**. Cambridge. United Kingdom: Cambridge University Press. Pp.5-15

- Pyrozhenko, Vadym. (2012). **the Impact of Citizens' Knowledge On Public Administration: Exploring the Links in Three Social Movements**. Public Administration ° Dissertations Maxwell School of Citizenship and Public Affairs. pp.1-280
- Rocheftort, D. A., & Cobb, R. W. (1994). **The politics of problem definition: Shaping the policy agenda**. Edited by David A. Rocheftort and Roger W. Cobb. Lawrence, Kan: University Press of Kansas. Pp.39-56
- Row, gene and Lynn j. frewer. (2015). **A typology of public engagement mechanisms**. Science, technology and human values. vol31. Pp.67-86
- Salminen, Ari. (2010). **Ethical governance: a citizen perspective**. Published by University of Vaasa
- Sheedy, A. (2008). **Handbook on Citizen Engagement: Beyond Consultation**. Canadian Policy Research Networks Inc
- Villarroel, J. A., & Reis, F. (2010). **Intra-corporate crowdsourcing (ICC): Leveraging rank and site marginality for innovation**. Paper presented at CrowdConf 2010, San Francisco, and CA. Retrieved from <http://www.crowdconf2010.com/images/finalpapers/villarroel.pdf>. Pp.1-32
- Vogt, Sebastian, Alexander Haas. (2015). **the future of public participation in Germany: Empirical analyses of administration experts' assessments**. Technological Forecasting & Social Change. vol98. Pp.9-21
- Wagner, Sascha Alexander; Sebastian Vogt; Rüdiger Kabst. (2016). **the future of public participation: Empirical analysis from the viewpoint of policy-makers**. Technological Forecasting & Social Change.vol 106.Pp.64-80
- Yang, Kaifeng; Sanjay K. Pandey. (2011). **Further Dissecting the Black Box of Citizen Participation: When Does Citizen Involvement Lead to Good Outcomes?** Public administration review. Pp.228-243

